



Phenomenological Analysis of Effective Intra-Organizational Factors in Use the Articles and Thesis Production Institutions

Majid Ghasemi¹, Keyvan Salehi^{2*}

1- Ph.D Student, Higher Education Development Planing, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran
2- Assistant Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran

accompany the vitality and dynamism of scientific and academic centers with serious challenges from their inside and could be faced them with double problems in fulfilling their mission for the creating value and welfare and preparing sustainable development of society.

Keywords: Articles and Thesis Production Institutions, Plagiarism, Intra-Organizational, University

Abstract

The formation and expansion of the activities of the well-known institutes to the production of articles and thesis have put Iran's higher education system at faced with questions and serious challenges that has been consequences at individual, organizational and social levels. The Present study aimed to analyze intra-organizational factors in the tendency to use the articles and thesis production institutions. The study was conducted using a qualitative method and phenomenological approach. Sampling was done purposefully and with using criterion sampling. The sample size to the theoretical saturation of data was dependent that based on this, the lived experience of 22 experts in the realm of the subject was deeply investigated. The data are collected via semi-structured interviews, and was analyzed using Colaizzi strategy. Data analysis has led to the identification and categorization of five categories of effective intera-organization factors in the tendency to use the articles and thesis production institutions, including management, cultural, regulatory, educational and individual factors. The results show that developing essay writing institutions, can

* Corresponding author: keyvansalehi@ut.ac.ir

تحلیل پدیدارشناسانه عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه

مجید قاسمی^۱، کیوان صالحی^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، دانشگاه کردستان، سنندج

۲- عضو هیأت‌علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران

چکیده

شکل‌گیری و گسترش فعالیت مؤسسات موسوم به تولید مقاله و پایان‌نامه، نظام آموزش عالی ایران را با چالش‌های مخاطره‌انگیزی مواجه ساخته که در سطوح فردی، سازمانی و اجتماعی، تبعاتی را به همراه داشته است. مطالعه حاضر با هدف واکاوی عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر گرایش به استفاده از این مؤسسات انجام شده است. پژوهش با رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی انجام و نمونه‌گیری به صورت هدفمند و ملاکی انجام گرفته است. حجم نمونه، وابسته به اشباع نظری داده‌ها بوده که بر این اساس تجربه زیسته ۲۲ نفر از صاحب‌نظران در قلمرو موضوعی مدنظر مورد بررسی عمیق قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از فن مصاحبه نیمه‌ساختمند گردآوری و مبتنی بر راهبرد کلایزی تحلیل شده‌اند. تحلیل داده‌ها به شناسایی و دسته‌بندی پنج دسته از عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه شامل عوامل مدیریتی، فرهنگی، نظارتی، آموزشی و فردی منتج شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رونق یافتن مؤسسات مقاله‌نویسی می‌تواند نشاط و پویایی مراکز علمی و دانشگاهی را از درون با چالش‌هایی جدی همراه و آنها را در تحقق رسالت‌شان در ارزش‌آفرینی و زمینه‌سازی رفاه و توسعه پایدار و متوازن جامعه، با مشکلات دوچندان مواجه نماید.

کلیدواژه‌ها: مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه، سرقت علمی، درون‌سازمانی، دانشگاه

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

Ghasemi, M., & Salehi, K. (2019). **Phenomenological Analysis of Effective Intra-Organizational Factors in Use the Articles and Thesis Production Institutions.** *Journal of Science & Technology Policy*, 10(4), 35-48. {In Persian}. DOI: 10.22034/jstp.2019.10.4.539573

۱- مقدمه

علمی^۲ یکی از عوامل نابودی ظرفیت‌های اساسی پژوهش در هر جامعه و سازمانی است به گونه‌ای که اگر سازوکار مناسب و کارآمدی برای جلوگیری از شکل‌گیری، بروز و تشدید آن در نظر گرفته نشود نه تنها رقابت سالم در محیط‌های علمی را غیرممکن ساخته بلکه به تنزل اخلاق علمی هم می‌انجامد و جامعه را از زمینه‌های تحول و ارزش‌آفرینی نظیر آنچه در کشورهای پیشگام تجربه شده محروم می‌نماید [۲].

نگاهی به برنامه‌های دانشگاهی کشورهای مختلف مبین این

هر چند بین ترقی علمی هر جامعه با میزان و کیفیت پژوهش در آن جامعه، رابطه مستقیم وجود دارد اما همین مقوله پژوهش اگر درست هدایت نشده و در مسیر توسعه معنوی و اخلاقی قرار نگیرد عامل تخریب و نابودی خواهد شد [۱].

شکل‌گیری روحیه تقلب^۱ و بروز و تشدید مصادیق سرقت

DOI: 10.22034/jstp.2019.10.4.539573

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: keyvansalehi@ut.ac.ir

مرتبط با عدم رعایت اخلاق پژوهشی در مراکز علمی، اجرای کارآمد قوانین مذکور را با چالش‌هایی جدی مواجه ساخته که عملاً مانع تقویت اخلاق علمی و جلوگیری از رونق فعالیت‌های مؤسسات مقاله‌نویسی و مراجعه برخی دانشجویان و متقاضیان به این مراکز در سطحی رضایت‌بخش شده است. سوءرفتار در پژوهش مسئله‌ای بین‌المللی است [۸]. اگر بپذیریم پایان‌نامه‌فروشی و تخلفات علمی موجود مانند علامت بیماری می‌تواند نشانه‌ای از ناسلامتی بخشی از عناصر یا کارکردهای نظام آموزش عالی کشورمان باشد آنگاه ضرورت واکاوی علل بروز این مسئله و گرایش به آن، از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌شود. واضح است که بروز و تشدید چنین شرایطی به آسیب‌شناسی‌های جدی نیازمند است و تا منشاء اصلی این بیماری شناخته نشود درمان اصولی آن نیز ناممکن است. برای شناسایی علل و عوامل بروز و تشدید این پدیده، می‌توان از زوایای متعدد و متنوعی بدان نگرست. یکی از مهم‌ترین راهبردها در تشخیص بیماری‌ها و آسیب‌ها، نگاه سیستمی است. اگر سیستم را با مجموعه‌ای متشکل از بخش‌ها، ساختارها و وظایف مرتبط به هم تعریف کنیم (که برای درک فرآیندهای درونی آن لازم است به تعامل پویای کلیه زیرنظام‌های آن نیز توجه کرد) [۹] بررسی بخش‌ها، ساختارها، وظایف و کارکردهای مرتبط به هم در درون نظام دانشگاهی، می‌تواند در آشکارسازی مشکلات رخ داده هدایت‌گر و مؤثر باشد. بررسی‌های محققان نشان می‌دهد که به رغم اهمیت بررسی علل گرایش به مؤسسات مقاله‌نویسی، تاکنون مطالعه‌ای ژرفانگر و آسیب‌شناسانه در این حوزه انجام نشده و بنابراین واکاوی عوامل درون‌سازمانی مؤثر در گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه، ضرورتی انکارناپذیر است. در این مقاله تلاش شده تا ضمن معناکاوی در تجربه زیسته متخصصان، به بازنمایی عناصر درون‌سازمانی مؤثر در گرایش به استفاده از این مؤسسات پرداخته شود.

۲- پیشینه پژوهش

مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به شناسایی چهار دسته از موضوعات شامل تعریف تقلب علمی، قوانین موجود در مواجهه با تقلب، آمارهای تقلب علمی و همچنین علل بروز و گرایش به سرقت علمی انجامید. نخعی و همکاران، تقلب

است که بسیاری از دانشگاه‌های معتبر، سیاست‌هایی را برای جلوگیری از سرقت علمی و رفتارهایی که صداقت علمی را تهدید می‌کند تدوین کرده‌اند تا از این طریق بتوانند فرآیندهای مختلف پژوهش همچون جمع‌آوری و تفسیر داده‌ها، برخورد با حامیان مالی، ارتباط با همکاران، تعهد به موضوع تحقیق و انتشار نتایج را از افتادن در دام مسائل غیراخلاقی حفظ نمایند [۳]. کم‌توجهی به شرایط، نبود سازوکارهای نظارت جدی و تمرکز بسیار زیاد بر انتشار مقاله، ممکن است در برخی افراد، انگیزه اقدام به کارهای غیرقانونی و تقلب‌آمیز را ایجاد کند. واقعیت این است که ساخت هنجاری علم، در عین حال سبب بروز انحرافات نیز هست. جدی‌ترین نوع تخلف از هنجارهای اجتماعی علم، تقلب و سرقت تألیفات و آثار دیگران است که به مفهوم نقض اعتماد و تجاوز به تملک یافته‌های ذهنی دیگران محسوب می‌شود [۴] و گریبان‌گیر جامعه پژوهشی بیشتر کشورهای پیشرفته دنیا شده است [۵]. برخی‌ها مدعی‌اند که میزان تقلب و سرقت علمی در برخی مراکز علمی در حال افزایش است [۶ و ۷].

با مقدمه فوق، تلاش برای جلوگیری از بروز و تشدید تقلب و سرقت علمی، می‌تواند ضمن کاهش احتمال بروز تقلب و تبعات ناشی از آن، زمینه لازم برای بهبود فضای رقابت علمی سازنده در محیط مراکز علمی را فراهم نموده و حرکت در مسیر تحقق اهداف عالی نظام آموزش عالی و برخورداری از دستاوردهای علمی را تسهیل نماید. شواهد میدانی نشان می‌دهد که در حال حاضر در برخی نقاط پایتخت، مؤسساتی در زمینه فروش پایان‌نامه و مقاله فعالیت می‌کنند. بازاری که می‌توان از آن به عنوان «بازار شبه‌علم» یاد کرد. مؤسساتی که برای فروش پایان‌نامه‌های جعلی در دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری و نیز جعل و فروش مقاله‌های علمی دایر شده‌اند و بدون نگرانی در فضاهای مجازی مشغول تبلیغات، فعالیت و کسب درآمد هستند.

اگر چه در خصوص کاهش مخاطرات ناشی از بروز سرقت علمی، قوانینی تصویب و اقداماتی نیز انجام شده که درخور تقدیر است اما به نظر می‌رسد این قوانین و به ویژه ایجاد نشدن شرایط، بستر و عزم لازم برای پیاده‌سازی آنها و همچنین ناشناخته ماندن یا کم‌توجهی به عوامل درون‌سازمانی

صورت کمی و فرهنگ سازمانی از مهم‌ترین عواملی است که در بروز انگیزه سرقت علمی نقش دارند [۱۴]. پژوهش دیگری هم تسلط ناکافی دانشجویان به همه جوانب موضوع پژوهش، توانایی مالی، مدرک‌گرایی، کوتاهی در انجام تکالیف و تأخیر در انجام آنها و نهایتاً عدم آموزش شیوه صحیح نگارش مقالات علمی در دانشگاه را به عنوان مهم‌ترین دلایل سرقت علمی شناسایی نموده است [۱۵]. یک پژوهش نیز در دسترس بودن آسان اطلاعات، فشار در انتشار تحقیق برای پیشرفت شغلی، عدم اعتماد به نفس و فقدان مهارت در میان تازه‌کارها، وجود عجله برای انتشار و یا تحت فشار بودن برای دستیابی به هدف به علاوه عدم آگاهی در مورد سرقت ادبی و مضرات آن را از جمله عواملی برشمرده که در بروز و تشدید دزدی ادبی مؤثرند [۱۶]. یافته‌های پژوهش دیگری هم نشان داده که مدرک‌گرایی و توجه زیاد به نمره، اولین و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سرقت علمی دانشجویان است [۶] و مطالعه‌ای نیز مدعی شده که عواملی مانند فشار بر افراد برای ارتقاء علمی، رقابت بین محققین و منافع شخصی و حرفه‌ای آنها می‌توانند افراد را به انجام تقلب، تشویق نمایند [۱۷]. در پژوهشی که برای درک علل سرقت علمی دانشجویان مؤسسات آموزشی لیتوانی انجام گرفته نیز نداشتن درکی درست از سرقت ادبی، عامل اصلی وجود سرقت علمی معرفی شده است [۱۸]. پژوهشگرانی نیز هستند که معتقدند حجم کاری یک عضو هیأت‌علمی، بر وظایف حرفه‌ای وی اثرگذار است [۱۹] و در این راستا، فضل‌الهی و ملکی توانا مهم‌ترین عامل مؤثر در سرقت علمی را وابسته به فرهنگ دانشگاهی دانسته‌اند [۲۰]. به اعتقاد خدایی، مقدم‌زاده و صالحی، موضوع تقلب علمی در دوره‌های آموزشی ایران عمدتاً در مطالعات و پژوهش‌ها نادیده گرفته شده‌اند [۴]. برخی پژوهش‌ها نیز به درک علل و عواقب ناشی از سرقت ادبی پرداخته‌اند [۲۱ و ۲۲].

بیشتر مطالعات انجام‌شده به صورت سطحی و تنها بر گرایش درونی افراد به سرقت علمی متمرکز بوده و تاکنون هیچ مطالعه‌ای که عمیقاً به مسئله عوامل درون‌سازمانی مؤثر در گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه بپردازد انجام نشده است. با این مقدمه، ضرورت دارد برای مدیریت اقدامات هوشمندانه و پیشگیری از روند رو به رشد گرایش به

علمی را به عنوان رفتار عمدی یا سهوی خارج از چارچوب اصول اخلاقی و علمی پژوهشگر تعریف نموده و آن را شامل تمامی انحرافات جدی از اعمال اخلاقی در پژوهش طی زمان پیشنهاد، اجرا و ارائه گزارش نتایج پژوهش دانسته‌اند [۱۰] که باعث کاهش اعتبار و شهرت نویسنده و عدم اطمینان به صحت کار وی می‌شود. ذاکر صالحی به بحث آسیب‌شناسانه‌ای از جایگاه اخلاق و هنجارهای اخلاقی در حوزه علم پرداخته و با تمرکز بر مقوله تقلب علمی، ابعاد مختلف این پدیده را مورد کاوش قرار داده است [۱۱].

در خصوص تقلب و میزان بروز آن، آمارهای متنوعی مطرح شده است. طبق مطالعه‌ای ۴۴٪ دانشجویان و ۵۰٪ اعضای هیأت‌علمی گفته‌اند که در معرض حداقل یک مورد تقلب قرار گرفته‌اند [۱۲]. در یک مطالعه فراتحلیل هم عنوان شده که تقریباً ۲٪ محققین حداقل یک بار تقلب علمی داشته‌اند. به علاوه، ۱۴٪ آنها گفته‌اند که از بروز تقلب در همکارانشان آگاهی دارند و ۳۳٪ نیز با اعمالی مثل سرقت ادبی انتشار چندگانه، تغییرات گزارش‌نشده در پروتکل اولیه یا سایر رفتارهای غیراخلاقی مواجه شده‌اند [۱۳].

بروز و شیوع مصادیق تقلب علمی، موجب شکل‌گیری بحث‌هایی گسترده و حساس شدن نهادهای نظارتی و تصمیم‌گیر برای اعمال قوانین بازدارنده در این خصوص و نهایتاً تصویب «لایحه پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» در مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۲۸ تیر ۱۳۹۶ منتج شد. این قانون در قالب یک ماده‌واحد و ۹ تبصره تهیه و هدف از آن نیز مقابله با تهیه، عرضه، فروش و واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب و گزارش علمی است. همچنین مجازات‌هایی از قبیل جزای نقدی درجه سه، محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش و مجازات‌های مقرر در مواد ۲۰ تا ۲۲ قانون مجازات اسلامی برای متخلفین پیش‌بینی شده است.

بخش مهمی دیگری از پیشینه پژوهش به علل بروز و گرایش به سرقت علمی اختصاص دارد. قراملکی در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده که سیاست کمیت‌گرایانه در جذب دانشجویان، عدم بضاعت علمی، اجبار برای مقاله‌نویسی، فقدان انگیزه، فرآیندهای ترفیع و ارتقاء اعضای هیأت‌علمی، فرآیند و آئین‌نامه‌های پژوهانه، سنجش شایستگی‌های حرفه‌ای به

نیز در نگارش، مورد توجه ویژه قرار گیرد. به منظور رعایت ویژگی‌های کیفی پژوهش از سه ملاک قابل قبول بودن^۳، تأییدپذیری^۴ و قابلیت اطمینان^۵ استفاده شد. در مورد قابل قبول بودن و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت مصاحبه‌ها و گزارش پژوهش برای شرکت‌کنندگان ارسال شد تا موافقت یا مخالفت آنها با مطالب ذکر شده و یافته‌های پژوهش ارزیابی شود. به منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته‌ها نیز تلاش شد تا فرآیندها و تصمیم‌های مربوط به پژوهش به طور مستند و واضح در متن پژوهش تشریح شود. نهایتاً و برای تضمین تأییدپذیری نتایج، یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه و با استناد به بحث‌های نظری در تبیین آنها اقدام شد.

۴- یافته‌ها

یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها به شناسایی پنج عامل درون‌سازمانی عمده مؤثر در گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه و زیرمقوله‌های آن منجر شد. در جدول ۱ عوامل پنج‌گانه فوق‌الذکر (مقوله‌های اصلی) به همراه برخی مصادیق استخراج شده از روایت‌های مشارکت‌کنندگان ارائه شده است. ارتباط بین مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌ها در قالب شکل ۱ آورده شده است.

در ذیل و به اختصار هر یک از مقوله‌های مورد اشاره و زیرمقوله‌های آنها تبیین شده‌اند:

۴-۱ عوامل ساختاری (سیطره پارادایم اثبات‌گرایی)

استیلاء رویکرد اثبات‌گرایی در پژوهش از دید شرکت‌کنندگان به ویژه صاحب‌نظران رشته‌های علوم انسانی، یک نگاه کاملاً اثبات‌گرایانه به پژوهش وجود دارد که اثرات نامطلوبی بر فعالیت‌های پژوهشی گذارده است: "به نظر من یک نگاه اثبات‌گرایی و کمی در دانشگاه‌ها حاکم است که باعث شده تمام دیدگاه‌ها به سمت تولید مقاله به هر قیمتی برود؛" "وقتی حتی برای تبدیل وضعیت استخدامی و ارتقاء اساتید از آنها مقاله در مجلات علمی-پژوهشی یا بین‌المللی می‌خواهند و با هر فرد دانشگاهی اعم از استاد یا دانشجو که نشست و برخاست می‌کنی از تعداد مقالات تو می‌پرسد" و ... یعنی رویکرد همه به سمت کمی‌نگری سوق پیدا کرده است.

استفاده از این مؤسسات که می‌تواند از نشانه‌ها و زمینه‌های غیررسمی تقویت و ساختارمند شدن برخی وجوه تقلب علمی محسوب شود مطالعه‌ای جامع و ژرف‌نگر انجام گیرد. در این زمینه تلاش شد عوامل و عناصر درون‌سازمانی مؤثر بر گرایش به این مؤسسات، شناسایی و راهکارهای برون‌رفت از وضع موجود پیشنهاد شود.

۳- روش تحقیق

با توجه به سیطره رویکردهای کمی پژوهش در مطالعات حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی [۲۳] و عمق کم یافته‌های به دست آمده از مطالعات کمی [۲۴] و همچنین ضرورت شناسایی عمیق پدیده مورد مطالعه، در این پژوهش تلاش شد تا بر اساس پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی و با استفاده از روش پدیدارشناسی (از نوع توصیفی)، ضمن تحلیل تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان و ادراک دیدگاه‌های آنها، به شناختی عمیق از عوامل درون‌سازمانی مؤثر در گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه دست یابیم. سعی شده با افرادی مصاحبه شود که تجربه لازم و درک مفهوم مورد پژوهش را داشته باشند و با این حساب، انتخاب شرکت‌کنندگان در پژوهش بر اساس یک نمونه‌گیری ملاکی بر مبنای چهار معیار الف) برخورداری از سابقه کاری حداقل پنج سال، ب) علاقه‌مندی به شرکت در فرآیند مصاحبه، ج) تعلق به رشته‌های مختلف و د) انتخاب از میان سه گروه (کمیته اخلاق در پژوهش؛ هیأت داوری مقالات و پایان‌نامه‌ها؛ دانشجویان تحصیلات تکمیلی) بوده که در نهایت ۲۲ نفر از صاحب‌نظران در قلمرو موضوعی پژوهش و هر کدام در یک مصاحبه نیمه‌ساختمند حضوری (۳۰ تا ۴۰ دقیقه‌ای) یا کتبی به سؤالات مرتبط پاسخ دادند.

در تحلیل داده‌ها از راهبرد هفت‌مرحله‌ای کلایزی^۱ استفاده شده است [۲۵]. در پژوهش‌های کیفی توجه به صدای فعال^۲ ضرورت دارد چرا که اغلب از نقل‌قول‌های مستقیم شرکت‌کنندگان و از ضمیر اول شخص مفرد یا در اصطلاح «صدای فعال» استفاده می‌شود چنین صدایی منجر به اطمینان بیشتر می‌شود [۲۶]. در انجام پژوهش سعی شد این ویژگی‌ها

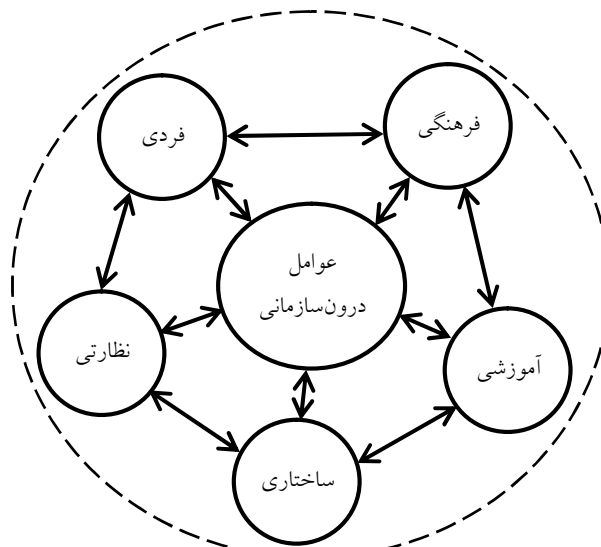
3- Acceptability
4- Confirmability
5- Dependability

1- Seven-step Colaizzi strategy
2- Active voice

جدول ۱) مقوله‌های اصلی پژوهش و برخی مصادیق برآمده برای آنها از روایت‌های مشارکت‌کنندگان

مقوله اصلی	مصادیق برگرفته از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
عوامل ساختاری	فشارهای غیرمعارف برخی آئین‌نامه‌ها به دانشجو یا عضو هیأت‌علمی و سوق‌دهی ضمنی آنها به این مراکز؛ الزام دانشجو در ارائه مقاله برای دفاع از پایان‌نامه بدون توجه به کمیت و کیفیت آموزش ارائه‌شده؛ تغییر شیوه آزمون دکتری از آزمون تشریحی به آزمون چهارگزینه‌ای؛ کم‌توجهی به آزمون‌های عملکردی و اصیل در سنجش و پذیرش دانشجویان و اعضاء هیأت‌علمی؛ تمرکز و وزن‌دهی بیش از اندازه بر مقالات چاپ‌شده در ارتقاء اساتید و وزن اندک به کیفیت آموزش و سایر مؤلفه‌های عملکردی؛ استیلاء رویکرد کمی در شیوه آموزش‌ها و به ویژه آموزش روش‌شناسی پژوهش؛ شکل نگرفتن توانمندی لازم در دانشجویان برای اجرای مراحل پایان‌نامه و مقاله‌نویسی؛ تأثیر زیاد رزومه پژوهشی برای پذیرش در دوره دکتری؛ تمرکز قواعد جذب هیأت‌علمی بر کمیت مقالات و تألیفات و توجه ناکافی به کیفیت و مسئله‌محور بودن آنها؛ سیستم مشوق نامناسب؛ نبود نشانگرهای مناسب برای تمایز مقالات اصیل از مقالات تکراری؛ وجود قوانین و نشانگرهای یکسان و نامتناسب در مواجهه با حوزه‌های مختلف علوم؛ تعمیم ارزش‌ها و سازوکارهای علوم پایه و فنی به سایر حوزه‌ها و به ویژه حوزه‌های علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی؛ سهم اندک مجلات داخلی حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی در پایگاه‌های علمی بین‌المللی؛ غیرکاربردی بودن پایان‌نامه‌ها و خاک خوردن آنها در کتابخانه‌های دانشگاه
عوامل فرهنگی	بالا بردن ظرفیت پذیرش دانشجو در سطوح تحصیلات تکمیلی بدون تأمین امکانات و بستر مورد نیاز؛ ترویج سیستم شب امتحانی و جزوه‌خوانی توسط برخی اساتید؛ فرهنگ مدرک‌گرایی؛ بالا رفتن تب دکتری و تحصیلات تکمیلی؛ ماندگاری و تغییر نکردن ذهنیت استفاده از سؤالات و شیوه‌های ارزشیابی مداد-کاغذی و به ویژه چندگزینه‌ای؛ مقاومت برخی گروه‌های آموزشی حوزه‌های علوم اجتماعی و رفتاری در برابر روش‌های کیفی به عنوان موضوعات پژوهشی دانشجویان ارشد و دکتری؛ علمی ندانستن روش‌های کیفی
عوامل نظارتی	فقدان یا کمبود نظارت برخی اعضاء هیأت‌علمی بر دانشجویان و صرف زمان کم برای نظارت؛ مشکل نظارت به سبب سروکار داشتن اساتید با بیش از ۲۰ دانشجو در هر ترم؛ در اختیار نداشتن امکانات لازم (نرم‌افزار) برای تشخیص تخلفات احتمالی دانشجویان؛ جدی گرفته نشدن جلسات دفاع از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در برخی مراکز
عوامل آموزشی	جدی گرفته نشدن کیفیت کلاس‌های روش تحقیق؛ تمرکز برخی مدرسان بر استفاده از سؤالات تستی در کلاس‌های تحصیلات تکمیلی؛ کم‌توجهی به استفاده از تکالیف اصیل در فرآیند آموزش روش پژوهش؛ اختصاص تدریس درس تخصصی روش‌های تحقیق به استادان و مدرسان محتوایی؛ فقدان برنامه و یا دوره‌های مستمر ارتقاء آگاهی در مورد مسائل مرتبط با اخلاق حرفه‌ای؛ عدم یادگیری مهارت پژوهشی توسط دانشجویان؛ اطلاع‌رسانی ناکافی نسبت به این مؤسسات و پیامدهای آن
عوامل فردی	دانش ناکافی برخی اساتید و دانشجویان درباره نشریات تقلبی؛ اطلاع‌یابی پائین برخی اساتید از مجلات خارجی معتبر و غیرمعتبر؛ فقدان اطلاع دانشجویان و اساتید از مسائل اخلاق پژوهشی و تخلف بودن این موارد؛ نبود مهارت لازم انجام پژوهش در دانشجویان

دانش‌های بومی و در مقابل، رونق یافتن نظریه‌های سایر جوامع به دلیل استیلاء پارادایم اثبات‌گرایی در نظام آموزشی و هدایت پژوهش‌های دانشگاهی و ارزیابی عملکرد و آثار علمی افراد است. وقتی رویه غالب در آئین‌نامه‌های آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و به ویژه در حوزه‌های علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی بر اساس پارادایم اثبات‌گرایی باشد زمینه برای افزایش تعداد آثار علمی (مقاله و...) مساعد می‌شود اما این رویه نه تنها با تلاش برای خلق دانش و حرکت هوشمندانه در راستای تحقق آرمان مرجعیت علمی به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف اسناد فرادستی، تناسب ندارد بلکه شاید بتوان آن را نقطه مقابل خلق دانش و پویایی علمی دانست. بر اساس نتایج پژوهش‌های محمدرزاده و صالحی نیز مهم‌ترین دلایل افت نشاط و بالندگی علمی به ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، غلبه پارادایم اثبات‌گرایی در تدریس، هدایت پژوهش‌های دانشگاهی و همچنین داوری



شکل ۱) عوامل درون‌سازمانی به همراه زیرمقوله‌های مؤثر در گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه

از مهم‌ترین عوامل درون‌سازمانی مؤثر در گرایش به استفاده از خدمات مؤسسات مقاله‌نویسی، دور شدن مراکز علمی از خلق

مقالات و طرح‌های پژوهشی در کشور است [۲۷ و ۲۸].

تمرکز معیارهای ارتقاء اساتید بر تعداد مقالات چاپ‌شده یکی از مسائلی که به رونق کار مؤسسات مقاله‌نویسی دامن زده ارتقاء اساتید بر اساس تعداد مقالات چاپ‌شده است: "ما موظف به ارائه مقاله ISI به دانشگاه هستیم چون ارتقاء ما وابسته به تعداد مقالات مان است و در این خصوص به کیفیت فعالیت اساتید توجهی نمی‌کنند!" "برای کسب ارتقاء، کمیت مقالات مهم است نه کیفیت یا حوزه مرتبط آنها، ... برای ارتقاء یک استاد رشته فنی با یک استاد حوزه علوم انسانی، شاخص‌های یکسانی در نظر گرفته شده است!"

تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که ملاک‌ها و معیارهای ارزشیابی و ارتقاء رتبه برای اعضای هیأت‌علمی، بر تعداد مقالات آنها متمرکز است نه مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی و کیفیت فعالیت‌های پژوهشی آنها، همچنین حجم دروس ارائه‌شده اساتید زیاد بوده و این مسئله فرصت کمتری را برای فعالیت‌های پژوهشی به آنها می‌دهد. به نظر می‌رسد از آنجا که انجام پژوهش و انتشار مقاله برآمده از آن در مجلات بین‌المللی معتبر، فرآیندی زمان‌بر بوده که به آرامش، تجربه و حمایت نیازمند است اگر به شرایط و امکانات لازم برای اجرای پژوهش و انتشار نتایج آن توجه کافی نشود تبعاً فشارهای وارده مانند محدودیت‌های زمانی افزایش می‌یابد و شرایط به گونه‌ای می‌شود که برخی اعضای هیأت‌علمی به کمک گرفتن از اینگونه مؤسسات، گرایش پیدا می‌کنند. یافته اخیر با نتایج مطالعه قراملکی در این زمینه هم‌سو است [۱۴]. پژوهش‌های دیگری هم نشان داده‌اند که عواملی مانند فشار بر افراد جهت ارتقاء علمی و همچنین منافع شخصی و حرفه‌ای [۲۹] و یا لزوم کسب نمره در شرایطی نظیر کمبود زمان، سنگینی وظایف و حجم بالای تکالیف [۳۰] می‌تواند احتمال گرایش افراد به تقلب را افزایش دهند.

شیوه آموزش روش‌های پژوهش به دانشجویان

آموزش روش‌های پژوهش عموماً با محوریت رویکردهای کمی انجام می‌گیرد و از آنجا که مقاله‌های کمی امکان بیشتری برای سوءاستفاده دارند این امر می‌تواند زمینه‌ساز سوق‌دهی دانشجویان به سمت مؤسسات مقاله‌نویسی شود: "هم تمایل اساتید به روش‌های کمی است و هم مجلات از پژوهش‌های کمی استقبال بهتری دارند!" "از آنجا که روش‌های کیفی،

اکتشافی و بازگوکننده حرف‌هایی نو هستند و نمی‌توان در آنها از تکرار استفاده کرد این مؤسسات چندان کارهای کیفی را قبول نمی‌کنند و بیشتر به دنبال انجام پژوهش‌های کمی هستند چون راحت‌تر می‌توانند داده‌سازی کنند و با اندکی تغییر، از پژوهش‌های قبلی استفاده کنند!"

مطالعات دیگری نیز تأکید بر شیوه‌های کمی آموزش روش‌های پژوهش را به عنوان عامل افت نشاط و پویایی مراکز علمی شناسایی نموده‌اند [۲۷ و ۲۸].

ملاک‌ها و معیارهای کمی پذیرش دانشجویان دکتری

یکی از مسائلی که به شکل‌گیری و رونق مؤسسات مقاله‌نویسی دامن زده غلبه نگاه کمی بر ملاک‌های پذیرش دانشجویان دکتری است: "دانشگاه‌ها ملاک پذیرش دانشجو در مقطع دکتری را تعداد مقالات و تألیف‌ها می‌دانند و در فرم امتیازدهی، بیشتر امتیازها مربوط به این موارد است!" "در پذیرش دانشجوی دکتری، نگاه‌ها به صورت کمی و خطی است. یکی از دوستان من با رتبه تکریمی که به لحاظ علمی هم خوب بود نتوانست از هیچ دانشگاهی برای دکتری پذیرش بگیرد چون تنها یک مقاله همایشی داشت و به وی گفتند که مقاله نداری!"

فرامرز قراملکی در پژوهش خود مسئله پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی را مورد توجه قرار داده و سیاست کمی‌گرایانه جذب دانشجو را در بروز انگیزه سرقت علمی مؤثر می‌داند [۱۴].

ملاک‌های کمی جذب اعضای هیأت‌علمی

برخی اساتید معتقد بودند که یکی از عوامل گرایش به مؤسسات مقاله‌نویسی، استیلاء ملاک‌های کمی در جذب اعضای هیأت‌علمی در دانشگاه‌هاست: "در ملاک‌های جذب اساتید مشکلات زیادی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به تعداد مقالات و کتب و ترجمه‌ها اشاره کرد و این در حالی است که به کیفیت مقالات چاپ‌شده و اصیل و به‌روز بودن این تألیفات و همچنین اینکه فردی که می‌خواهند جذب کنند به چه میزان تفکر خلاق و انتقادی دارد و یا اینکه اصلاً چه توانمندی‌هایی دارد توجهی نمی‌شود!"

سیستم تشویقی ناکارآمد در تمایزبخشی مقالات اصیل از مقاله‌های تکراری

یکی دیگر از عوامل گرایش به مؤسسات نگارش مقاله و

نظارت کیفی بر فعالیتهای پژوهشی دانشجویان نداشته باشند. این مسائل، کاهش کیفیت نظام آموزش عالی کشور را به دنبال داشته و باعث عمیق‌تر شدن شکاف کیفیت آن با استانداردهای بین‌المللی شده است. در پژوهش قراملکی نیز سیاست کمیت‌گرایانه در جذب دانشجوی، فقدان انگیزه و سنجش شایستگی‌های حرفه‌ای افراد با معیارهای کمی، عوامل مؤثر در سرقت علمی شناخته شده‌اند [۱۴].

بهبود توسعه فرهنگ مدرک‌گرایی

از دیگر عوامل گرایش به استفاده از خدمات مؤسسات تولید مقاله، توسعه فرهنگ مدرک‌گرایی است: "فشارهای غیرمترعاری به دانشجویان وارد شده که باعث می‌شود دانشجویان به فکر راه‌حل‌های دیگری برای رسیدن به اهداف علمی خود بیفتند مثلاً تخصیص بخشی از نمره پایان‌نامه به اخذ پذیرش چاپ مقاله در یکی از مجلات که این مسئله نیز بر مراجعه روزافزون دانشجویان به این مؤسسات، دامن می‌زند".

فرهنگ از مهم‌ترین عناصر تولید علم بوده و نقشی مهم در کارآمدی نظام تولید دانش دارد. تولید دانش در جامعه علمی مستلزم زیرساخت‌ها و راهبردهایی از جمله هویت‌سازی و هویت‌بخشی به دانشگاه‌ها است. فرهنگ‌های نابجا و ناصواب، برخی دانشجویان را به سمت مدرک‌گرایی سوق داده و دست به دامن مؤسسات مقاله‌نویس کرده است. پژوهشی نشان داده که مدرک‌گرایی و توجه زیاد به نمره، اولین و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سرقت علمی دانشجویان است [۶]. برخی نیز مهم‌ترین عامل مؤثر در سرقت علمی را ناشی از فرهنگ دانشگاهی دانسته‌اند [۲۰].

۳-۴ عوامل نظارتی

بهبود نظارت درون‌سازمانی ناکافی

برخی پاسخگویان، عدم نظارت درون‌سازمانی در سه سطح استاد راهنما، دانشکده و دانشگاه را یکی از عوامل مهم و مؤثر در گرایش به استفاده از خدمات مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه و در نتیجه گسترش این مراکز معرفی کرده‌اند: "به نظر من نظارت کافی وجود ندارد. اساتیدی که راهنمای یک پایان‌نامه می‌شوند باید حتماً مرحله به مرحله از دانشجویان تکلیف بخواهند و بازخورد بدهند و در مجموع نظارت بیشتری بر فرآیند کار داشته باشند اما عملاً و بعد از تصویب پروپوزال، دانشجویان تمام یا اکثر فصول پایان‌نامه را یکجا

پایان‌نامه و تشدید فعالیت این مؤسسات، ناکارآمدی مشوق‌های دانشگاهی در تشخیص بین مقاله‌های اصیل و غیراصیل است: "شورایی که امتیازات را بررسی می‌کند به اصیل بودن مقاله یا تکراری بودن آن، اهمیتی نمی‌دهد که این، نوعی بی‌عدالتی است"; "اگر بعد از دو سال پژوهش بر اساس روش داده‌بنیاد، موفق بشوی یک خُرده‌نظریه مورد نیاز جامعه را تألیف کنی سیستم تشویقی ناکارآمد دانشگاه‌ها آن را از یک مقاله کمی داده‌سازی شده که تنها از یک سری روابط و همبستگی ساده استفاده کرده تمایز نداده و غیرمستقیم به روتق مؤسسات مقاله‌نویسی کمک می‌کند".

نبود ملاک‌های کیفی برای سنجش عملکرد، یکی از عوامل ناعدالتی و افت انگیزه اعضای هیأت علمی به تولید پژوهش‌های باکیفیت است. ناکارآمدی نظام ارزشیابی عملکرد دانشگاه در تمایزدهی مقاله‌های اصیل هم‌سو با جهت‌گیری اسناد بالادستی و ضامن مرجعیت علمی از مقالات تکراری، یکی از عوامل رشد مؤسسات نگارش مقاله و پایان‌نامه است و شرایطی را فراهم می‌کند که دغدغه اعضای هیأت علمی برای معرفی موضوعات اصیل به دانشجویان، کاهش یافته و زمینه گرایش به مؤسسات مذکور تقویت شود. در این بخش، پژوهشی برای تطبیق نتایج وجود نداشت.

۴-۲ عوامل فرهنگی

بهبود شکل‌گیری فرهنگ کمی‌گرایی به جای کیفیت‌گرایی

یکی از عوامل گرایش به مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه، کم‌توجهی به کیفیت‌گرایی در آموزش عالی به دلیل استیلاء رویکردهای کمی‌گرایانه در دانشگاه‌ها است: "تعداد دانشگاه‌ها و رشته‌ها در دوره‌های مختلف دولتی روزانه، شبانه، پردیس، پیام نور، مجازی و ... خیلی زیاد شده و این مسئله، کیفیت تمامی دوره‌ها را در تمامی مقاطع، تحت‌الشعاع قرار داده است".

در تبیین سازوکار تأثیر این فرهنگ می‌توان گفت که کمی‌گرایی، زمینه‌ها و شرایط لازم برای گسترش بی‌رویه مؤسسات آموزش عالی را فراهم کرده و افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان در سطوح تحصیلات تکمیلی بدون تأمین امکانات مورد نیاز برای تحصیل این افراد، سبب شده نسبت استاد به دانشجویان و حجم تخصیص دروس به اساتید، منطقی نبوده و اعضای هیأت علمی فرصت کافی برای راهنمایی و

هیأت‌علمی تأثیرگذار است [۱۹]. شواهد دیگر نیز بر شکایت از حجم کاری بالا و تأثیرگذاری آن در گرایش اعضاء هیأت‌علمی یا زمینه‌سازی مراجعه به مراکز و مؤسسات مقاله‌فروشی صحنه گذارده‌اند.

که فراهم نبودن امکانات لازم برای نظارت فراهم نبودن امکانات لازم برای نظارت و تشخیص تخلفات احتمالی، می‌تواند یکی از عوامل گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه باشد: "نرم‌افزارهایی برای تشخیص سرقت علمی وجود دارد ولی به نظرم کامل نیستند. افراد با اندک تغییری در متن می‌توانند سرقت علمی داشته باشند و نرم‌افزارها هم قادر به تشخیص این موارد نیستند."

۴-۴ عوامل آموزشی

که برنامه‌های آموزشی به منظور التزام به مسائل اخلاقی یکی دیگر از عوامل گرایش به استفاده از خدمات مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه، فقدان برنامه‌های آموزشی برای التزام به مسائل اخلاقی در بین دانشجویان و اعضاء هیأت‌علمی است: "دانشگاه‌ها برنامه خاصی برای آموزش مسائل اخلاقی ندارند مثلاً کارگاهی برای آموزش اهمیت و ارزش علم و تولید آن برگزار شود و یا پیامدهای تقلب علمی را برای دانشجویان و حتی اساتید تبیین کنند."

به زعم خدایی و همکاران، موضوع تقلب علمی در دوره‌های آموزشی ایران به صورت مسئله‌ای ناملموس و نادیده در حوزه مطالعات و پژوهش‌ها باقی مانده است [۴].

که کیفیت پائین درس روش تحقیق کیفیت پائین کلاس‌های روش تحقیق از عوامل گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه است. شواهد نشان می‌دهد که روش‌شناسی پژوهش به عنوان حوزه‌ای تخصصی مورد کم‌توجهی قرار گرفته است به گونه‌ای که بخش گسترده‌ای از مدرسان روش‌های پژوهش، غالباً مدرسانی محتوایی بوده که از تخصص مناسب و کافی برای تدریس تخصصی این درس برخوردار نیستند. به عبارت دیگر، نگاه عمومی برخی مدیران گروه‌ها به تخصصی‌ترین زمینه ارتقاء مهارت‌های پژوهندگی در نظام آموزش عالی و تخصصی درس روش‌های تحقیق به مدرسان محتوایی و نه مدرسان متخصص در حوزه روش‌شناسی پژوهش، زمینه افت سواد پژوهشی دانشجویان را فراهم نموده که یکی از

تحویل استاد می‌دهد و استاد هم (به هر دلیلی) به طور مرحله‌ای جویای گزارش کار وی نیست؛ "به عقیده من عدم نظارت بر پایان‌نامه و فرآیند انجام آن، در مراجعه دانشجویان به این مؤسسات خیلی مؤثر است. استاد راهنما، معاونت پژوهشی دانشکده و حتی معاونت پژوهشی دانشگاه باید بر فرآیند انجام پژوهش نظارت داشته باشند ... تا دانشجویان سراغ اینگونه مؤسسات نروند."

اهمیت نظارت در آموزش عالی نسبت به سایر نظام‌ها دوچندان است زیرا نظام آموزش عالی به عنوان نظامی پیشرو و تعیین‌کننده خط‌مشی، قادر است زمینه توسعه در ابعاد علمی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی را فراهم آورد و سایر حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. فقدان نظامی کارآمد و به‌روز برای نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌ها می‌تواند به معنای عدم برقراری ارتباط با محیط درون و برون سازمان تلقی شده که در نهایت نیز به تسهیل زمینه به انحراف رفتن و سیر نزولی کیفیت دانشگاه در عرصه‌های ملی و بین‌المللی منتهی شود. در یکی از پژوهش‌های قبلی، نبود مقررات تنبیهی لازم برای برخورد با سرقت علمی، یکی از عوامل اقبال به آن بیان شده است [۳۱]. پژوهشی دیگر که به بررسی سیاست‌های دانشگاه چین در مواجهه با سرقت علمی پرداخته نیز توصیه کرده که باید در درون سازمان، سیاست‌های اخلاقی و نظارتی حاکم شود و پیشنهاد کرده که در مقابله با سرقت ادبی، به جای رویکرد تنبیهی از یک رویکرد تربیتی استفاده شود [۲۱].

که تأثیر حجم بالای دروس اساتید در نظارت بر فرآیند پژوهش حجم بالای دروس ارائه‌شده اساتید نیز به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز رونق مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه شناخته شده است چرا که این شرایط، نظارت آنها بر فرآیند انجام پژوهش را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد: "در بخش آموزشی، شرایط حاکم بر دانشکده و گروه آموزشی باعث شده که حجم درس‌های ارائه‌شده خیلی زیاد باشد. مثلاً خود من در ترم گذشته ۲۰ واحد تدریس داشتم و این خیلی زیاد است و باعث می‌شود چندان به کارهای پژوهشی نرسم؛" "ما در هر ترم با بیش از ۲۰ دانشجوی سر و کار داریم که کار نظارت بر پایان‌نامه‌های آنها را با مشکل مواجه می‌کند."

از نظر فوگ^۱ حجم کاری بر وظایف حرفه‌ای یک عضو

افراد از مصادیق سرقت علمی دانسته‌اند [۳۰ و ۳۱ و ۳۲] که نشانگر اطلاع‌رسانی ناکافی دانشگاه‌ها در این مورد است.

۴-۵ عوامل فردی

بسیار استانداردهای پائین اساتید و دانش ناکافی آنها از مجلات غارتگر (سواد پائین اطلاع‌یابی) در بحث عوامل مؤثر در گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله، برخی پاسخ‌دهندگان به مسئله مجلات غارتگر اشاره و دانش اساتید و دانشجویان برای تشخیص مجلات غیرمعتبر را ناکافی توصیف کرده‌اند: "به نظرم خیلی‌ها از مجلات خارجی نامعتبر اطلاعاتی ندارند و ناخواسته در دام آنها می‌افتند؛" "اساتید و دانشجویان دانش کافی درباره نشریات تقلبی ندارند. وقتی مجله‌ای، تمام موضوعات از فنی گرفته تا علوم انسانی را چاپ می‌کند و یا اینکه بیش از ۳۰۰ مقاله را در یک شماره خود جای می‌دهد باید به معتبر بودن آن شک کرد چرا که مجلات علمی معتبر معمولاً حداکثر می‌توانند از ۶ تا ۱۰ مقاله را در یک شماره چاپ کنند ولی افراد اطلاعات مناسبی در این زمینه ندارند؛" "به نظرم مهارت و رفتارهای اطلاع‌یابی برخی اساتید نسبت به مجلات خارجی معتبر و غیرمعتبر خیلی پائین است."

بسیار عدم آگاهی افراد از ضوابط اخلاق علمی

ناآگاهی دانشجویان و یا اعضاء هیأت‌علمی از مسائل و مصادیق اخلاق پژوهش، باعث می‌شود که افراد به مؤسسات مقاله‌نویسی اعتماد کنند: "یکی از دلایل مراجعه به این مؤسسات می‌تواند ناآگاهی استفاده‌کنندگان از این مؤسسات باشد. برخی افرادی که به این مؤسسات مراجعه می‌کنند آگاه از اینکه این موضوع می‌تواند تخلف محسوب شود نیستند؛" "اکثر مراجعه‌کنندگان به مؤسسات پایان‌نامه‌نویسی از تخلف بودن این مسئله آگاه هستند ولی یک عده‌ای هم هستند که اصلاً نمی‌دانند انجام پژوهش توسط این مؤسسات یک تخلف محسوب می‌شود."

ناآگاهی به چنین مسئله‌ای می‌تواند افراد را در مظان تخلف قرار دهد. بدین منظور کمیته‌های اخلاق علمی در دانشگاه‌ها می‌توانند با برگزاری جلساتی مستمر نسبت به آگاهی‌بخشی دانشجویان و اساتید از تخلفات پژوهشی و آثار و پیامدهای آن اهتمام ورزند. یافته‌های برخی مطالعات نیز حاکی از آن هستند که بخشی از عوامل مؤثر بر سرقت علمی مرتبط با

طبیعی‌ترین تبعات آن، ناتوانی یا کم‌توانی دانشجویان در انجام وظایف پژوهشی خود و در نتیجه افزایش احتمال گرایش به استفاده از مؤسسات مقاله‌نویسی است: "در دانشگاه‌ها ضابطه‌ای برای تدریس درس روش تحقیق وجود ندارد. با درس حساس و مهم روش تحقیق، مانند یک درس عمومی برخورد می‌شود و هر کسی به خودش حق می‌دهد با حداقلی از دانش عمومی، این درس مهم را تدریس کند تا شاید دانشجویهای بیشتری با وی پایان‌نامه بگیرند ... در صورتی که به نظر من، روش تحقیق از مهم‌ترین و تخصصی‌ترین دروس دوره تحصیلات تکمیلی است ... چون هدف این دوره، پرورش روحیه پژوهشی برای ایجاد روحیه کاوشگری و حرکت در حوزه‌های ناشناخته علمی است و روش تحقیق مستقیماً با این هدف مرتبط می‌باشد؛" "به نظرم کلاس‌های روش تحقیق کیفیت لازم را ندارند به طوری که تمام آنچه برای یک پژوهش علمی لازم است را در این کلاس‌ها یاد نمی‌دهند؛" "وقتی درس روش تحقیق دانشجویان تحصیلات تکمیلی به یک استاد بی‌کیفیت داده می‌شود باعث خواهد شد دانشجویها اعتماد به نفس‌شان برای انجام یک پایان‌نامه باکیفیت را از دست بدهند و به هر کس و هر جایی مراجعه کنند تا کار پایان‌نامه‌شان انجام شود."

نتایج یک پژوهش دیگر نیز حاکی از آن بوده که یکی از عوامل مؤثر بر سرقت علمی، آموزش ندادن شیوه صحیح نگارش مقالات و متون علمی و کیفیت پائین کلاس‌های روش‌های تحقیق است [۱۵].

بسیار اطلاع‌رسانی ناکافی نسبت به مصادیق سرقت علمی

اطلاع‌رسانی ناکافی نسبت به مصادیق سرقت علمی از دیگر عوامل گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه است: "به نظرم حداقل کاری که معاونت پژوهشی دانشگاه و دانشکده می‌تواند انجام دهد این است که از طریق سایت و همچنین با ارسال ایمیل به دانشجویان، مصادیق سرقت علمی را اطلاع بدهد ولی اطلاع‌رسانی در این مورد وجود ندارد؛" "اطلاع‌رسانی نسبت به اخلاق پژوهش و تقلب علمی مورد توجه دانشگاه‌ها نیست در حالی که به نظرم در درس روش تحقیق باید بخش اخلاق پژوهشی به ویژه سرقت علمی و پیامدهای آن مورد توجه ویژه قرار گیرد."

برخی پژوهش‌ها یکی از عوامل سرقت علمی را عدم آگاهی

دلایل سرقت علمی به شمار می‌رود [۱۵]. برخی پژوهش‌ها، بضاعت اندک علمی را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در سرقت علمی بیان و بر این بخش از یافته‌های این پژوهش صحنه گذاشته‌اند [۱۶ و ۱۷ و ۲۹ و ۳۰]. در پژوهش دیگری نیز چنین گفته شده که نبود احساس خودکارآمدی در دانشجویان جهت انجام پژوهش و نگارش گزارش‌های علمی، از عوامل سرقت علمی است [۶].

۵- نتیجه‌گیری

آموزش عالی، مظهر رشد و توسعه اطلاعات و دانش و تأمین‌کننده قدرت جوامع در عرصه رقابت جهانی است. انتظار می‌رود مراکز علمی محل اندیشه‌ورزی و شاگردپروری فرهیختگان و قلب یک جامعه پویا و زنده باشد و پرواضح است که ابتلاء آن به تقلب و فریبکاری و به طور کلی درست‌کار نبودن، تهدیدکننده سلامت جامعه است. گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه، آسیب جدی به پویایی علمی، ارزش‌آفرینی، خلق دانش و فرآیندهای آن وارد می‌کند. این پژوهش، عمده یافته‌های مطالعات قبلی در حوزه چالش‌ها و آسیب‌های نظام آموزش عالی را تأیید می‌نماید.

مهم‌ترین نشان‌بaldنگی مراکز علمی، برخورداری از سهم قابل توجه در خلق دانش، ارزش‌آفرینی و زمینه‌سازی رفاه اجتماعی است. شواهد نشان می‌دهد که نمی‌توان در همه جا، رابطه‌ای مثبت و مستقیم بین میزان تولید مقاله با خلق دانش، متصور شد و تحقق این امر نیازمند آموزش، نظارت، تناسب پارادایمی و جهت‌گیری‌های صحیح است. به نظر می‌رسد تمرکز صرف بر نشانگرهای رشد و کم‌توجهی به مباحث مربوط به توسعه متوازن و پایدار در دانشگاه‌ها، زمینه رونق گرفتن رویکردهای کمی در آموزش و پژوهش دانشگاهی را دوچندان نموده و چالش‌های عمده‌ای را به همراه داشته است. در یک نگاه سطحی و متداول، می‌توان وجود مؤسسات تولید پایان‌نامه و مقاله را زمینه‌ساز نزول کیفیت دانشگاه‌ها و مراکز علمی دانست و در نگاهی عمیق‌تر و متفاوت، شاید بتوان عملکرد نامناسب دانشگاه‌ها و برخی اعضای هیأت علمی را به عنوان عوامل زمینه‌ساز رونق فعالیت و جولان مؤسسات پایان‌نامه‌نویسی و مقاله‌نویسی دانست. برخی مشارکت‌کنندگان سؤالی را مطرح کرده‌اند که چرا به راحتی و با صرف اندک

عدم آگاهی و نبود شناخت کافی از مسائل اخلاقی پژوهش است [۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۲۹ و ۳۲].

توانمندی ناکافی دانشجویان در انجام پژوهش‌های اصیل یکی دیگر از عوامل گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه، توانمندی اندک دانشجویان برای انجام پژوهش است: "من به عنوان یک دانشجو واقعاً از انجام تمام مراحل پایان‌نامه عاجز بودم. چون در مدت تحصیل، تمام مهارت لازم برای انجام پایان‌نامه را یاد نگرفتم (در سه ترم آموزشی نمی‌توان تمام آنچه برای انجام پایان‌نامه لازم است را یاد گرفت). حتی برخی دوستان من که می‌خواستند خودشان پایان‌نامه‌شان را انجام بدهند هم حداقل در نگارش فصل چهارم پایان‌نامه مشکل داشتند و مجبور به مراجعه به این مؤسسات می‌شدند؛" "یکی از دلایل مراجعه به مؤسسات پایان‌نامه‌نویسی به خاطر ترس و استرس از این است که اگر خود دانشجو پژوهش را انجام دهد شاید اشکالات زیادی داشته باشد و نتواند آن را درست انجام دهد و بالتبع در داوری نمره مناسبی نگیرد؛" "برخی اساتید به خاطر اینکه زحمت راهنمایی دانشجویان را کمتر متحمل شوند راضی هستند که دانشجویان به این مؤسسات مراجعه و از این مؤسسات برای کارشان کمک بگیرند چون دانشجویان چندان به مراحل و اصول انجام پایان‌نامه واقف نیستند."

در تبیین این مقوله می‌توان گفت که دانشجویان بعد از اتمام درس آموزشی، باید در مدت کوتاهی پروپوزال ارائه داده و پایان‌نامه خود را تکمیل نمایند و این در حالی است که به دلایلی نظیر کیفیت اندک کلاس‌های آموزشی، توانمندی انجام این کار را ندارند و لذا احتمال و گرایش به مراجعه به اینگونه مؤسسات افزایش می‌یابد. شاید یکی از دلایل عدم توانمندی دانشجویان در انجام پژوهش، نسبت بالای تعداد دانشجویان به اساتید باشد همچنین حجم کاری زیاد اساتید، باعث شده اساتید وقت کمتری برای راهنمایی دانشجویان داشته باشند و یا اینکه برخی اساتید، توجه، انگیزه یا توان چندانی برای توانمندسازی دانشجویان در انجام پژوهش ندارند. پژوهش جمشیدی بروجنی و همکاران نشان داده تسلط ناکافی دانشجویان به همه جوانب موضوع پژوهش، کوتاهی و تأخیر در انجام تکالیف محوله و همچنین آموزش ندادن شیوه صحیح نگارش یک مقاله علمی به دانشجویان جزء مهم‌ترین

علمی، بیش از پیش بر گسترش این رویکردها و پارادایم‌های پژوهشی و آموزشی تعریف و استوار شود.

با توجه به یافته‌ها و با هدف برون‌رفت از معضل شکل‌گیری و رونق مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه، در ادامه برخی راهکارهای درون‌سازمانی مرتبط با این امر پیشنهاد شده است: # با توجه به «استیلاء رویکرد اثبات‌گرایانه و کمی‌گرایانه در پژوهش‌های دانشگاهی و تبعات ناشی از آن به ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری» و به منظور تسریع و تسهیل فرآیند حرکت در راستای تحقق مرجعیت علمی، پیشنهاد می‌شود شیوه‌نامه‌های تشویقی کارآمدی به منظور ارزش‌گذاری مقالات اصیل و هم‌سو با نیازهای کشور و اسناد بالادستی، ایجاد و شرایطی فراهم شود که مطالعات ارزش‌آفرین، از مقالات تکراری یا کاذب و نامتناسب با نیازهای جامعه، متمایز شده و مورد تشویق قرار گیرد.

همچنین به منظور کاهش تبعات ناشی از غلبه رویکردهای کمی‌گرایانه در نظام پژوهشی دانشگاه‌ها و به ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری، پیشنهاد می‌شود سازوکاری در نظر گرفته شود تا ضمن بازنگری و اصلاح روح کمی‌گرایی در شیوه‌نامه‌ها، ملاک‌ها، نشانگرها و معیارهای جذب، ترفیع و ارتقاء اعضای هیأت‌علمی، از «تمرکز و عواقب ناشی از ملاک‌ها و نشانگرهای جذب دانشجویان دکتری و ارتقاء اساتید بر اساس تعداد مقالات چاپ‌شده» کاسته شده و بر پژوهش‌های اصیل، اکتشافی و ارزش‌آفرین و مقالات برآمده از آنها، تمرکز شود. این رویه می‌تواند در کاهش گرایش و مراجعه مخاطبان به مؤسسات مقاله و پایان‌نامه‌نویسی اثر گذارده و دستاوردهای ارزشمندی را به همراه آورد.

با توجه به شکل نگرفتن توانمندی لازم در دانشجویان برای انجام پژوهش‌های اصیل و همچنین کیفیت ناکافی برخی کلاس‌های روش تحقیق و ضرورت تقویت و به‌روزرسانی صلاحیت‌های پژوهشی مدرسان روش‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود شبکه کیفیت مدرسان و اساتید روش تحقیق در سطح وزارتخانه و شورای عالی انقلاب فرهنگی ایجاد و ضمن برقراری جلسات هم‌اندیشی و هماهنگی راهبردی مبتنی بر دوره‌های آموزش ترکیبی^۱، کلاس‌های معکوس^۱ و

هزینه‌ای، می‌توان خواسته‌ها و انتظارات دانشگاهی را در کف میادین شهر یا مؤسسات تجاری به دست آورد؟ آیا این وضعیت، نشانه قوت این مؤسسات است یا اینکه می‌توان آن را ناشی از افت کیفیت موضوعات پایان‌نامه‌ها، خواسته‌ها و انتظارات و نظارت‌های افراد یا نهادهای مرتبط دانست؟ به نظر می‌رسد می‌توان بخشی از دلایل رونق بازار مؤسسات مقاله‌نویسی را ناشی از دو عامل «استیلاء رویکردهای کمی‌نگر در فضای دانشگاهی و کیفیت پائین ملاک‌ها و نشانگرهای دانشگاه و دانشگاهیان» و «حجم بالای تدریس اساتید و بالتبع کمبود زمان تمرکز و عدم نظارت کافی بر کیفیت گزارش‌ها و مقالات دانشجویان» دانست.

از دیگر عوامل گرایش دانشجویان به استفاده از این مؤسسات و رونق آنها به ویژه در حوزه‌های علوم اجتماعی و رفتاری را می‌توان حاکمیت رویکردهای کمی در انجام پژوهش و تدریس شیوه‌های پژوهش دانست. شواهد نشان می‌دهد اینگونه مؤسسات در تدوین مقالات با رویکردهای کمی (که ساختاری کاملاً تعریف‌شده و تقریباً یکسان دارند و با سرعت بسیار زیاد از طریق سرهم کردن بخش‌های آن انجام می‌شود) موفق بوده‌اند اما در تدوین پژوهش‌های مبتنی بر رویکردهای کیفی و ترکیبی (که برای گردآوری داده‌های آن و تولید نتایج متقاعدکننده به تخصص و بینش بالاتر و نیز حضور طولانی‌مدت و مستمر در میدان پژوهش نیاز بوده و گزارش یافته‌های بافت‌محور آن هم به ذکر جزئیات دقیق وابسته است) با چالش‌های عمده‌ای مواجه هستند. به نظر می‌رسد آموزش، ترویج و بکارگیری رویکردها و پارادایم‌های اکتشافی که عمدتاً هم‌سو با ماهیت پژوهش‌های کیفی و ترکیبی هستند علاوه بر اینکه به کاهش احتمال بروز سرقت علمی و از رونق افتادن فعالیت مراکز مقاله‌نویسی می‌انجامد فرصت و ظرفیت لازم برای حرکت پرشتاب تحقق رسالت مراکز علمی در کسب مرجعیت علمی را فراهم می‌آورد. این امر به ویژه در حوزه‌های علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی که در صورت ایفاء نقشی سازنده، زمینه کاهش احتمال بروز الیناسیون^۱ (از خود بیگانگی) و بیمه‌شدن در برابر وابستگی‌های فرهنگی کشور را تسهیل می‌نماید ضرورت دارد و منطقی است که سیاست‌گذاری‌های آموزشی، پژوهشی و نظارتی در مراکز

در ساختارهای نظارت بر پژوهش‌های دانشگاهی و جلسات دفاع از رساله‌ها تشکیل شود.

- با برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی، التزام به مسائل اخلاقی در پژوهش به ویژه خودنظارتی بر فرآیند اجرای پژوهش ایجاد و تقویت شود.

- دسترسی بدون محدودیت اعضای هیأت‌علمی به نرم‌افزارهای همانندجو فارسی و لاتین برای کنترل کیفیت منبع‌نویسی و رعایت اخلاق استنادنویسی فراهم شود.

- با سیاست‌گذاری‌های کلان مبتنی بر اسناد فرادستی و نیازها و اولویت‌های اصلی مراکز اجرایی و تخصیص و تفویض آن در سطوح دانشگاهی، دانشکده‌ای و گروه‌های آموزشی، زمینه لازم برای حمایت ویژه از پژوهش‌های اصیل، مسئله‌محور و ارزش‌آفرین مرتبط با نیازهای کشور فراهم شود. اجرایی‌سازی این رویه می‌تواند به تقویت و نهادینه‌سازی فرهنگ پاسخگویی و هم‌راستایی با اهداف کلان علمی کشور در مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی و انجمن‌های حرفه‌ای بیانجامد.

با توجه به کیفیت ناکافی برخی کلاس‌های روش تحقیق به دلایلی نظیر جدی گرفته نشدن اینگونه دروس و یا نگاه عمومی و نه تخصصی به این دروس و تخصیص تدریس آنها به اساتید صرفاً محتوایی (که صرفاً در حوزه علمی خودشان و نه حوزه روش‌شناسی پژوهش، دارای تخصص و تجربه‌اند) پیشنهاد می‌شود سازوکاری طراحی شود که:

▪ واحدهای این دروس به عنوان واحدهای تخصصی و عملی و نه نظری در نظر گرفته شود.

▪ تا حد امکان، تدریس این درس به متخصصان روش‌شناسی پژوهش و نه مدرسان محتوایی، واگذار شود.

▪ برای دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی باید حداقل شش واحد روش پژوهش با سه رویکرد کمی، کیفی و ترکیبی در نظر گرفته شود چرا که در اغلب دوره‌های تحصیلات تکمیلی، حداکثر دو واحد روش تحقیق دیده شده و پرسش اینجاست که آیا امکان‌پذیر است که با بروز تحولات و دگرگونی‌ها در رویکردهای پژوهشی و حاکمیت سومین جنبش روش‌شناسی^۳ [۲۴] در مراکز و دانشگاه‌های برتر، همچنان در اغلب برنامه‌های درسی دانشگاهی، دو واحد

ظرفیت‌های برگزاری وینار^۱، برای ارتقاء و به‌روزرسانی توانمندی‌های مورد نیاز اعضای این شبکه اقدام شود. این کار شاید بتواند بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های استادان حوزه‌های روش‌شناسی پژوهش افزوده و ضمن ارتقاء کیفیت پژوهش‌های دانشگاهی و تقویت احتمال همکاری‌های گروهی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، زمینه تحول در توانایی راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر وزارتخانه‌های مرتبط در تحقق رسالت مرجعیت علمی را فراهم نماید.

با در نظر داشت آسیب‌های ناشی از کاستی‌های موجود در برخی حوزه‌های نظارت بر پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها شامل نظارت ناکافی و نامناسب در سطوح دانشگاهی، دانشکده‌ای و اساتید؛ تأثیر منفی حجم بالای دروس اساتید در نظارت ناکافی آنها بر فرآیند پژوهش‌ها؛ کیفیت پایین برخی جلسات دفاع و داوری‌های انجام‌شده و همچنین عدم دسترسی رایگان و بدون محدودیت اعضای هیأت‌علمی به نرم‌افزارهای همانندجو، پیشنهاد می‌شود:

- به منظور فاصله گرفتن از نگاه قالبی و صرفاً مرتبه‌محور برای تعیین تعداد سهمیه استاد راهنما و مشاور، سازوکاری برای نظرسنجی از دانش‌آموختگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی به منظور قضاوت در خصوص کیفیت عملکرد اساتید راهنما، مشاور و داور ایجاد شود تا ضمن استفاده از نتایج آن برای تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص تعداد پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها به هر عضو هیأت‌علمی، زمینه لازم برای پیش وضعیت موجود و ارتقاء کیفیت پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی فراهم شود. این رویه می‌تواند ضمن رقابتی کردن و باکیفیت شدن فرآیند نظارت و راهنمایی اعضای هیأت‌علمی بر پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی، به ظرفیت استفاده بهینه از تجارب استادان متعهد و پویا افزوده و از مخاطرات تخصیص مرتبه‌محور پایان‌نامه‌ها به اساتید بر افت کیفیت آنها بکاهد.

- سازوکاری پویا به منظور کمک به نظارت مستمر در سطوح دانشگاه، دانشکده و استادان راهنما تدوین شود.

- کارگروه‌های حرفه‌ای به منظور زمینه‌سازی برای بازنگری

آن، روشی هوشمندانه و راهبردی کارآمد به شمار نمی‌رود. وجود این مؤسسات و رونق کار آنها نشانه‌ای شفاف از بروز و تشدید برخی سوءکارکردها در مراکز علمی و همچنین در اخلاق عمومی جامعه است. به نظر می‌رسد در صورتی که فعالیت‌ها، رویه‌ها و کارکردهای آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و نظارتی در آن دسته از حوزه‌های درون‌سازمانی نیازمند بهبود در مراکز علمی، به گونه‌ای کارآمد تعریف و به درستی و به طور کامل اجرا شوند امکان و احتمال بروز مصادیق سرقت علمی و گرایش به مؤسسات مقاله‌نویسی کاهش یافته و در یک روند طبیعی، می‌توان کاهش گرایش به مؤسسات مذکور و از رونق افتادن فعالیت‌های آنها، محدود شدن مصادیق سرقت‌های علمی و نیز بهبود اخلاق علمی و در نتیجه کسب اطمینان لازم برای اصلاح بنیادین سوءکارکردهای موجود را به انتظار نشست.

References

منابع

- [1] Tabei, Z., & Mahmoudian, F. (2007). **Ethics in research**. *Ethics in Sciences and Technology*, 2(1 & 2), 49-56. {In Persian}.
- [2] Fatima, A., Abbas, A., Ming, W., Hosseini, S., & Zhu, D. (2019). **Internal and external factors of plagiarism: Evidence from Chinese public sector universities**. *Accountability in research*, 26(1), 1-16.
- [3] Macfarlane, B., & Saitoh, Y. (2008). **Research ethics in Japanese higher education: Faculty attitudes and cultural mediation**. *Journal of Academic Ethics*, 6(3), 181-195.
- [4] Khodaie, E., Moghadamzadeh, A., & Salehi, K. (2011). **Factors Affecting the Probability of Academic Cheating School Students in Tehran**. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 29(1), 1587-1595.
- [5] Jamali, R. (2011). **The necessity of establishing a national center for education and prevention of plagiarism as a prerequisite for policy making of science and technology in the country**. *Journal of Science and Technology Policy*, 3(3), 111-112. {In Persian}.
- [6] Zamani, B. E., Azimi, S. A., & Soleymani, N. (2013). **Identifying and prioritizing the effective factors affecting the students' plagiarism in Isfahan University**. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 19(1), 91-110. {In Persian}.
- [7] Curtis, G. J., & Vardanega, L. (2016). **Is plagiarism changing over time? A 10-year time-lag study with three points of measurement**. *Higher Education Research & Development*, 35, 1167-1179.
- [8] Tavakkol, M., & Naserirad, M. (2009). **Scientific plagiarism with an explanation of the sociology of science**. *The Journal of Ethics in Science and*

درسی به این حوزه پراهمیت اختصاص داده شود و با این اوضاع انتظار هم می‌رود که دانشجویانی توانمند و با قابلیت‌های پژوهشگری سطح بالا در حیطه تخصصی خویش نیز تربیت شوند. لازم است علاوه بر این شش واحد، واحدی نیز با نام ارتقاء توانمندی‌های نگارش علمی در برنامه‌های درسی گنجانده شود تا زمینه و بستر تحول در خلق دانش به ویژه در حوزه‌های مرتبط با علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری و همچنین حرکت در راستای مرجعیت علمی فراهم آید.

■ باید بخش مهمی از ارزشیابی عملکرد و محاسبه نمرات دانشجویان در دروس روش‌شناسی پژوهش به پروژه‌های عملی و کاربردی منوط گشته و زمان لازم برای آن نیز در اختیار مدرسان قرار داده شود. طبق رویه‌های حال حاضر اعلام نمرات، به نظر می‌رسد با قائل شدن ارزش بیشتر برای رویه‌ها و تفکر مکانیکی و اداری در گردآوری داده‌ها و جابجا شدن هدف با وسیله، مدرسان این دروس نیز همچون سایر دروس نظری مجبور به اعلام نتایج در بازه‌ای دوهفته‌ای و حداکثر یک‌ماهه هستند که این امر زمینه‌ساز غیرکاربردی شدن فرآیند آموزش و ارزشیابی عملکرد دانشجویان و در نتیجه کم‌اهمیت شدن پروژه‌محوری و شکل نگرفتن شایستگی‌های عملی دانشجویان در این دروس را فراهم می‌آورد. پیشنهاد می‌شود که شیوه ارزشیابی دروس کاربردی و راهبردی نظیر روش‌های پژوهش با یک تحول رویه‌ای همراه و فرصت اعلام نمرات آنها دست کم به سه ماه پس از پایان ترم افزایش یابد تا مدرسان بتوانند بخش قابل توجهی از امتیاز عملکرد دانشجویان را به پروژه‌های عملی اختصاص دهند. این رخداد می‌تواند ضعف مهارت‌های پژوهشی دانشجویان به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدها و عوامل افت کیفیت مطالعات دانشگاهی و گرایش به مؤسسات پایان‌نامه‌نویسی را کم‌رنگ نماید.

♣ پیشنهاد دیگر اینکه با تشکیل مستمر و باکیفیت کارگاه‌های ارتقاء رفتار اطلاع‌یابی استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی، مشکل سواد ناکافی آنها در مبحث روش‌شناسی پژوهش و همچنین آشنایی کم پژوهشگران دانشگاهی با مجلات غارتگر فراهم شود.

♣ اگر چه برخوردهای قهری با مؤسسات مقاله‌نویسی به عنوان اولین راهبرد، دسترس‌پذیر و شدنی است اما استفاده از

- Journal of Second Language Writing*, 30, 94-99.
- [22] Pecorari, D., & Petric, B. (2014). **Plagiarism in second-language writing.** *Language Teaching*, 47, 269-302.
- [23] Lotfabadi, H., Norouzi, V., & Hosseini, N. (2007). **Investigating The Teaching Of Research Methodology In Psychology And Education In Iran.** *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 21, 109-140. {In Persian}.
- [24] Salehi, K., & Golafshani, N. (2010). **Commentary: Using Mixed Methods in Research Studies-an Opportunity with Its Challenges.** *International Journal of Multiple Research Approaches*, 4(3), 186-191.
- [25] Abedi, H. A. (2009). **Applying Phenomenological Method of Research in Clinical Sciences.** *Strategy*, 19 (54), 207-224. {In Persian}.
- [26] Salehi, K., Bazargan, A., Sadeghi, N., & Shokoochi-Yekta, M. (2015). **Representing the Teachers' Perceptions and Lived Experiences of the Possible Damages for Implementing the Descriptive Evaluation Scheme in Primary Schools.** *Quarterly Journal of Educational Measurement and Evaluation studies*, 5(9), 59-99. {In Persian}.
- [27] Mohammadzadeh, Z., & Salehi, K. (2015). **Pathology of scientific vitality and dynamism in scientific and academic centers: A study according to Phenomenology.** *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 3(11), 1-25. {In Persian}.
- [28] Mohammadzadeh, Z., & Salehi, K. (2016). **Explanation of the Phenomenon of Scientific Vitality and Dynamism in Scientific Centers from Perspective of Academic Elites: A Study According to Phenomenology.** *Rahbord Journal*, 25(79), 227-250. {In Persian}.
- [29] Scanlon, P. M., & Neumann, D. R. (2002). **Internet plagiarism among college students.** *Journal of College Student Development*, 43, 374-385.
- [30] Smith, M., Ghazali, N., & Minhad, F. (2007). **Attitudes towards plagiarism among undergraduate accounting students: Malaysian evidence.** *Asian Review of Accounting*, 15(2), 122-146.
- [31] Eret, E., & Gokmenoglu, T. (2010). **Plagiarism in higher education: A case study with prospective academicians.** *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 3303-3307.
- [32] Cheema, Z. A., Mahmood, S. T., Mahmood, A., & Shah, M. A. (2011). **Conceptual awareness of research scholars about plagiarism at higher education level: Intellectual property right and patent.** *International Journal of Academic Research*, 3(1), 665-670.
- Technology*, 4(3&4), 1-16. {In Persian}.
- [9] Salehi, K., Zeinabadi, H. R., & Parand, K. (2009). **Implementing of the systemic approach for Quality evaluation of Technical-Vocational schools (TVS): A case of evaluating girl's TVS in Tehran.** *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 8(29), 152-206. {In Persian}.
- [10] Nakhaee, N., Najafipour, H., Rohani, A., Raftari, Sh., Mobasher, M., & Hasani, F. (2009). **Proposing Disciplinary Charter of Research Misconduct: a Qualitative Study.** *Strides in Development of Medical Education*, 7(1), 1-8. {In Persian}.
- [11] Zaker-Salehi, G. (2010). **Plagiarism: Social and Legal Aspects.** Tehran: *Research Institute of Cultural and Social Studies*. {In Persian}.
- [12] Wester, K. L., Willse, J. T., & Davis, M. S. (2008). **Responsible conduct of research measure: Initial development and pilot study.** *Journal of Clinical Research Best Practice*, 4(8), 1-12.
- [13] Fanelli, D. (2009). **How many scientists fabricate and falsify research? A systematic review and meta-analysis of survey data.** *PLoS Medicine*, 4(5), 1-11.
- [14] Faramarz-Gharmaleki, A. (2015). **Plagiarism: Organizational Approach.** *Quarterly Review Book*, 1(2), 5-19. {In Persian}.
- [15] Jamshidi, B. G., Saeedi, M., & Haidari, Gh. (2014). **A survey on knowledge of post-graduate students of Shaheed Chamran University of Ahwaz of plagiarism and its influencing factors.** *Journal of Information Systems and Services*, 3(11 & 12), 95-108. {In Persian}.
- [16] Debnath, J. (2016). **Plagiarism: A silent epidemic in scientific writing - Reasons, recognition and remedies.** *Medical Journal Armed Forces India*, 72(2), 164-167.
- [17] Imani, E., & Abed, S. J. (2015). **Review the types of scientific misconduct in nursing research and strategies to deal with it.** *Iranian Journal of Nursing Research*, 10(1), 76-85. {In Persian}.
- [18] Sarlauskiene, L., & Stabingis, L. (2014). **Understanding of Plagiarism by the Students in HEIs of Lithuania.** *Social and Behavioral Sciences*, 110, 638-636.
- [19] Fogg, P. (2006). **Young Ph.D. Say Collegiality Matters More than Salary.** *The Chronicle of Higher Education*, 53(6), 1-4.
- [20] Fazlollahi, S., & Maleki tavana, M. (2011). **Solutions to Output from Cultural Barriers of Science Production at Universities.** *Journal of Marifat*, 20(171), 111-124. {In Persian}.
- [21] Pecorari, D. (2015). **Plagiarism in second language writing: Is it time to close the case?**